

# مالکیت فکری، رهنمائی و رهنمائی

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

مقدمه

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

رهنمائی و رهنمائی رهنمائی فکری

## مُلکِ معنی در کنار

نشر نگاه معاصر

فلسفه حقوق مالکیت فکری

حسن جعفری تبار

۹۶۷۱ ۷۹۷ ۱۰۲۱۸

۸۲۰۱۹۷۷

۷۷۷۱۷۶۶

|       |     |
|-------|-----|
| ..... | ۵۶۱ |
| ..... | ۶۶۱ |
| ..... | ۹۵۱ |
| ..... | ۶۹۱ |
| ..... | ۶۷۱ |
| ..... | ۷۷۱ |

## فهرست

|       |   |     |
|-------|---|-----|
| ..... | □ مقدمه                                 | ۷   |
| ..... | گفتار نخست: مفهوم حق مالکیت فکری        | ۱۳  |
| ..... | الف. مفهوم فلسفی مالکیت فکری            | ۱۵  |
| ..... | ب. مفهوم منطقی ملک؛ تصرف و مالکیت فکری  | ۲۳  |
| ..... | ج. مفهوم تاریخی مالکیت فکری             | ۲۸  |
| ..... | گفتار دوم: توجیه و نقد حق مالکیت فکری   | ۵۱  |
| ..... | الف. مالکیت فکری همچون مالکیت           | ۵۱  |
| ..... | ب. مالکیت فکری همچون سود                | ۶۶  |
| ..... | ج. مالکیت فکری همچون شخصیت              | ۸۱  |
| ..... | د. مالکیت فکری همچون امتیاز             | ۹۰  |
| ..... | گفتار سوم: تفسیر حق مالکیت فکری         | ۱۱۱ |
| ..... | الف. علم حقوق مالکیت فکری               | ۱۱۲ |
| ..... | ب. روش شناسی تفسیری در حقوق مالکیت فکری | ۱۱۹ |
| ..... | گفتار چهارم: مالکیت فکری همچون حق       | ۱۳۱ |
| ..... | الف. اخلاق مالکیت فکری                  | ۱۳۱ |

- ب. نسبت حق و مالکیت ..... ۱۳۵
- ج. مال و مالکیت فکری در قانون مدنی ..... ۱۳۹
- د. مالکیت فکری و وقف ..... ۱۵۶

- مؤخره ..... ۱۶۹
- کتابنامه ..... ۱۷۳
- نمایه ..... ۱۷۷

مقدمه

۱. حماسهٔ اموال در قانون مدنی

بزرگ‌ترین تقسیم‌بندی حقوق از اموال در ابتدای قانون مدنی تقسیم به منقول و غیر منقول است (ماده ۱۱). این تقسیم بسیار ساده و ابتدایی است و گاه این سؤال را پیش می‌آورد که واقعاً چه اهمیتی دارد که ما بتوانیم چیزی را برداریم و جابجا کنیم یا نتوانیم. این‌گونه تقسیم مال در حقوق، من را به یاد اسطوره‌های باستانی می‌اندازد: دنیای قدیم حماسی بود و ارزش هر چیز در آن با مادیت و عینیت آن سنجیده می‌شد. مثلاً در افسانه‌های حماسی شاهنامهٔ فردوسی، ارزش افرادی مثل رستم و اسفندیار به قدرت فیزیکی و زور بازوی آنان بود. اما به تدریج که ادبیات از تشبیه‌های مادی در قرن چهارم به سوی استعاره‌های معنوی در قرن هفتم و هشتم گسترش یافت، بزَن بهادری‌های زورخانه‌ای و رزمی هم به عشق‌هایی لطیف مبدل شد. اکنون باید گفت تقسیم دیرین قانون مدنی هم از مال تقسیمی است حماسی<sup>۱</sup> که در آن، ارزش مال به ثقل آن است، و گویی هر که غیر منقول بیشتر داشته باشد ثروتمندتر (= پهلوان‌تر) است، تا جایی که برای طرح دعوی دربارهٔ آن باید به مرکز ثقل مال رفت و مطمئن بود که مالکش به آن زمین و خانه چسبیده است<sup>۲</sup> (ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، و مادهٔ ۷ قانون مدنی). اما حقوق هم مثل ادبیات به تدریج پیشرفت کرده است گرچه نه به سرعت آن. بنابراین، همان‌طور که ادبیات از حماسه به غزل می‌رسد، و از مضامین عینی و فیزیکی به مفاهیم تغزلی و عاشقانه و ذهنی‌تر و معنوی‌تر، مال نیز از مال مادی به مال معنوی و فکری رسیده است، و اکنون در کنار مال‌های منقول و غیر منقول مرسوم، فکر و معنا نیز جزء داشته‌های انسان به حساب می‌آید. بگذریم از این‌که هنوز

می‌توان حقوق خصوصی را در دورهٔ حماسی‌اش بدانیم چون هرگز نخواست است لحظه‌ای از بند مالکیت به درآید تا ببیند که حقوقِ دیگر آدمی نیز که معنوی‌تر از مالکیت‌اند در کنار مالکیت ارزشمند هستند.<sup>۳</sup>

## ۲. از این کتاب

اصل این کتاب، مقاله‌ای است که پیش از این در باب فلسفهٔ حقوق مالکیت فکری نگاشته بودم<sup>۴</sup> و پس از چند سال تدریس آن مقاله در دورهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ حقوق مالکیت فکری در دانشگاه تهران و بازنگری و تکمیلش اکنون به این شکل آن را عرضه می‌کنم. نام مقاله و کتاب را از یکی از ابیات سنایی غزنوی شاعر متفکر قرن ششم هجری گرفته‌ام:

هیچ‌کس را نآمده است از دوستان در راه عشق بی‌زوالِ مُلکِ صورت، مُلکِ معنی در کنار البته سنایی می‌خواهد بگوید که عاشقان وقتی به عالم معنی و باطن می‌رسند که جهان صورت و ظاهر را رها کنند. اما برای عنوان این کتاب، عبارتِ مُلکِ معنی یادآور مالکیت معنوی است و عبارت در کنار، هم‌زمان موهم دو معنی کاملاً متضاد است، یکی، سخت در آغوش گرفتن و مشغول شدن به چیزی، و دیگری در یک گوشه و کنار گذاشتن آن چیز و رها کردن آن. مقصود من از گزینش این عنوان برای کتاب آن بوده که به دو نظریهٔ متغایر مطرح در باب مالکیت فکری اشاره کنم، و با این بראعت استهلال<sup>۵</sup> به خوانندگانم غموض مسأله را از همین آغاز برسانم؛ این که آیا باید سخت به مالکیت فکری دل مشغول شویم، یا فقط بهتر است آن را در حاشیهٔ ذهن حقوقی خود بپذیریم. فکرمی‌کنم در پایان کتاب به این دومی نزدیک‌تر شده باشم.

## ۳. تحریر محلّ نزاع

فلسفهٔ حقوق مالکیت فکری بر سه مبحث بنیادین استوار است: مفهوم حق مالکیت فکری، توجیه و نقد این حق، و سپس تفسیر آن. برای شناسایی مفهوم حقوق مالکیت فکری باید دشواری‌هایی را بررسی کرد که بر سر راه درک آن وجود دارد همچون قرابت این مفهوم با مفاهیم مشابه آن. به نظر می‌رسد تاریخ حقوق ایران در درک مفهوم مالکیت فکری با سه دشواری مواجه بوده است: آمیختن مفهوم مالکیت حقوقی با مالکیت حقیقی،

آمیختن مفهوم تصرف با مفهوم مالکیت، و گردن نهادن به ضرورت عین بودن مبیع در فقه و قانون مدنی. نتیجهٔ حل نشدن این سه معضل آن بوده است که حقوقدان‌ها زمانی طولانی بر این باور بودند و هنوز هستند که اصلاً نمی‌توان مالک چیزهایی مجرد همچون فکر و حق تألیف و حق اختراع و سر تجارتي شد. این مالکیت از نظر آنان ممتنع است.

من در گفتار نخست این کتاب می‌خواهم بگویم که مالکیتِ فکر ممکن و شدنی است، چون این مالکیت امری حقوقی است نه امری حقیقی، و تملیک و تملکِ فکر از حیث حقوقی مشکلی ندارد. اما سپس باید دید که آیا اساساً این مالکیت از نظرگاه فلسفهٔ حقوق مطلوب است و توجیهی دارد، یا نامطلوب است و قابل نقد؟ این پرسش را می‌خواهیم در گفتار دوم کتاب در باب توجیه و نقد مالکیت فکری پاسخ گوئیم. پس نخست به مفهوم حق مالکیت فکری پرداخته‌ایم، و سپس به توجیه و نقد این حق.<sup>۶</sup> در مفهوم حق مالکیت فکری، به چیستی این حق اشاره می‌کنیم (= حکمت نظری) و در توجیه و نقد، به بایستی و نبایستی آن (= حکمت عملی). در گفتار نخست، سؤال این است که حق مالکیت فکری چیست و آیا چنین حقی وجود دارد یا ممکن است وجود یابد،<sup>۷</sup> و پرسش گفتار دوم آن است که چرا این حق باید/نباید باشد.

بی‌گمان توجیه و نقد چیزی در امکان و عدم امکان آن مؤثر است، و مثلاً آن که حق بودن مالکیت فکری را به نفع اجتماع نداند می‌تواند از اساس، امکان وجود آن را رد کند. علی‌الخصوص در مفاهیم اعتباری، این توجیه نهاد است که سبب ایجاد آن می‌گردد. منظور آن است که اگر وجود نهاد مالکیت فکری را حکیمانه بدانند همهٔ اسباب را فراهم می‌آورند تا مفهوم آن را منطقی جلوه دهند، و اگر حکمت این نهاد را نپذیرند همه چیز دست به دست هم خواهد داد تا بر سر راه شناسایی مفهوم مالکیت فکری نیز سنگ اندازی شود. مع الوصف از حیث آموزشی، تفکیک مفهوم از توجیه و نقد هنوز می‌تواند فایده‌بخش باشد، به ویژه که در ظاهر قانون، مفهوم حق مالکیت فکری به شیوه‌ای خاص صورت‌بندی شده، و شاید به همین دلیل، در نظر برخی در گفت‌وگو دربارهٔ مفهوم بسته شده باشد. ولی به نظر می‌رسد که ما بتوانیم با تمسک به باطن و روح قانون، به شکلی دیگر آن را تفهیم و توجیه کنیم.

در گفتار دوم خواهیم دید که حق مالکیت فکری به سه شیوه توجیه شده است: